

بخش دوم:

● چند نمونه از آن چه در ایران شناسی سودمند است:

- بهار تهران و باغ های آن
- نویسنده، آینه زمان است
- ایران به کجا می رود؟
- مطبوعات امروز ما
- آزادی و مسوولیت در مطبوعات
- لازمه یک حکومت دموکراتیک مطبوعات آزاد است
- آن چه امروز می کاریم
- وارسته مردی از میان مردم
- غائله مسجد
- ارزش یک ملت و مملکت به چیست؟
- ایرانی ها را بشناسید
- عوامل سقوط سلسله ی ساسانی در جنگ با اعراب
- خرید و فروش مناصب و القاب در ایران
- مرز آزادی و گریز از آزادی
- یادی از تهران قدیم



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بهار تهران و باغ های آن ^(۱)

تهران پیش از قاجاریه

شهر ری یا راجیس یکی از شهرهای مهم و تاریخی آسیا بود و در کتب عهد عتیق مکرر از آن نام برده‌اند و همچنین مورخین یونانی به مناسبت‌هایی از عظمت و اهمیت ری مطالبی ذکر نموده‌اند، این شهر بزرگ طبعاً توابع و قری و قصباتی داشته که از آن جمله یکی هم تهران و شمیران می‌باشد.

شمیران به طوری که اهل فن و تحقیق می‌گویند از دو کلمه ران (زمین) و شم (سرما) تشکیل می‌یابد و به معنای زمین سرد سیر می‌آید، اما تهران از دو واژه ته (گودی) و ران (زمین) درست شده و عبارت از چاله‌ها و دره‌هایی است که در دامنه کوه‌های شمیران واقع می‌باشد و چون این اراضی مسیر آب‌های کوهستانی شمیران بوده بیشتر آن نواحی از باغ بوستان تشکیل می‌یافته است به قسمی که میوه مردم شهر ری از همین باغهای تهران و شهر ری مزارع حاصل خیز و رامین واقع بوده که غلات شهر ری از

آن جا تأمین می‌گشته است.

آبادی شهر ری در اواخر دوره عباسیان به متهی درجه رسید و پاره‌ای از مورخین و جغرافی نویسان اسلام مانند یاقوت حموی و غیره مطالب اغراق آمیزی درباره ری نوشته‌اند من جمله این که گفته‌اند شهر ری دارای ده هزار گرمابه و سی هزار دکه روغن فروشی بوده است شعرای عرب و عجم اشعاری بسیار در وصف شهر ری سروده‌اند که همگی از عظمت و وسعت آن حکایت می‌کند. مثلاً در این بیت:

مسعدن مردمی و کان کرم شاه بلاد ری بود ری که چون شهر به عالم نبود
شهر ری سلطان شهرها و مردمش بهترین مردم دنیا معرفی شده است ولی -حمله مغول تمام شهرهای معمور اسلام و ایران را ویران ساخت و شهر ری نیز چنان گرفتار حملات آن قوم خون خوار گردید که تاکنون نتوانسته است قد علم کند.

پس از سقوط شهر ری قصبه تهران کم کم رو به آبادی گذارد و چون این قصبه دارای باغ‌های شاداب و پر میوه بود غالباً در ایام بهار از دور و نزدیک رو به تهران می‌آوردند و اردیبهشت و خرداد را در تهران می‌گذرانند سپس در ماه‌های تیر و مرداد به کوهستان‌های شمیران پناه می‌بردند.

این وضع همچنان بود تا آغا محمد خان قاجار عشقش دبه کرد و این قصبه تاریخی را تبدیل به پایتخت نمود.

تهران قاجاریه

تهران قدیم آن قدر آب داشت که باغ‌های میوه خود را شاداب نگاهدارد ولی همین که پایتخت شد طبعاً دچار کم آبی گردید و باغ‌های میوه‌ی آن یکی پس از دیگری از بی‌آبی رو به تباهی گذارد، آغا محمد خان بیشتر اوقات خود را به جنگ‌های داخلی و خارجی گذرانید و تمام قوای خود را صرف سرکوب یاغیان دور و نزدیک می‌کرد به این جهت در دوره‌ی سلطنت او غیر از باغ ارک باغ دیگری در تهران احداث نشده و رجال و اعیان آن روزه تهران هم بیشتر دنبال پادشاه جنگجوی صحراگرد این طرف و

آن طرف می رفتند پس از کشته شدن آغا محمد خان، فتحعلی شاه که مرد عیاش و خوش گذرانی بود علاوه بر باغ ارک باغی بنام نگارستان در تهران احداث کرد که فعلاً قسمتی از آن دانشکده ادبیات می باشد.

میرزا حسین خان صدر اصفهانی وزیر اعظم فتحعلی شاه به فکر افتاد که در جنوب میدان ارک خیابانی شبیه چهار باغ اصفهان ایجاد کند و مقداری وقت و پول هم صرف این کار کرد ولی به واسطه بی آبی کارش نا تمام ماند، اما در محلی که فعلاً بازار گلوبندک است باغی به نام هفت حوض برای اقامت خود ساخت که در آن روزها از اماکن با صفای تهران محسوب می شد ولی این باغ هم مثل خیابان چهار باغ تهران در آتش بی آبی می سوخت و بالاخره هم از بی آبی ویران گشت.

می گویند فتحعلی شاه که از باغ هفت حوض صدر اعظم تعریف زیادی شنیده بود در یکی از روزهای بهار خود را بدانجا داوت کرد اتفاقاً در آن سال به واسطه نیامدن باران آب بسیار نایاب بود، صدر اعظم بیچاره ده ها سقا استخدام کرد تا از کاریزها و آب انبارهای دور و نزدیک شهر آب بیاورند و هفت حوض را پر کنند و ضمناً باغچه های گل لاله - عباسی را سیراب نمایند صدر اعظم تدارکی شاهانه دید و فتحعلی شاه و عده ای از سران لشگری و کشوری را برای ناهار به باغ هفت حوض برد شاه و همراهان مشغول عیش و نوش بودند که ناگاه خبر رسید شهر برهم خورده است زیرا به میرزا مسیح مجتهد تهرانی اطلاع داده اند که تمام آب انبارهای شهر را برای پر کردن هفت حوض خالی کرده اند و از آن رو مردم جهت دست نماز هم آب ندارند.

میرزا مسیح هم حکم داده است که به باغ هفت حوض حمله ببرند و آبهای غصبی را به آب انبارها برگردانند، مردم از زن و مرد عده ای به باغ حمله کرده و جمعی دستگیر شدند و مأمورین جلوگیری کردند در نتیجه این آمد عده ای تفنگچی اطراف باغ را گرفتند و با شلیک های هوایی مردم را متفرق ساختند اما نه فقط بساط مهمانی آن روز بر هم خورد بلکه صدر اعظم قسمتی از آن باغ را تبدیل به مسجد نمود و هفت حوض را هم پر کرد تا از شر ملاها آسوده گردد.

در زمان محمد شاه و ناصرالدین شاه بر وسعت شهر تهران و تعداد باغ‌های آن افزوده شد، باغ لاله زار - باغ جنت گلشن، باغ امین الملک، پارک امین الدوله، پارک مسعودیه، پارک نایب السلطنه و یا کامرانیه و امیریه و بسیاری از باغهای با صفا در داخل خود شهر احداث گردید ولی هیچ یک از این باغ‌ها جنبه عمومیت نداشت و اهالی شهر برای گردش تفریح به سبزی کاری‌ها و جالیزهای اطراف شهر می‌رفتند و مشهورترین این نقاط اراضی دولاب بود که اکنون قسمتی از آن تبدیل به کارخانه گشته است اعیان برق و مسلسل سازی و اشراف تهران حتی بعضی از ملاها در داخل شهر و در اطراف آن برای خود باغ‌ها می‌ساختند و ایام بهار و تابستان را در آنجا می‌گذراندند، از باغ‌های مشهور داخل شهر تهران یکی باغ دوست علیخان معیر است که هنوز بنام باغ معیر شهرت دارد گرچه قسمتی از آن تبدیل به خانه و خیابان شده است، عصمت الدوله دختر ناصرالدین‌شاه که عروس معیرالممالک بزرگ بوده در این باغ شهری اقامت داشت و سالی دو بار ناصرالدین شاه در ایام بهار به دیدن دخترش می‌آمد و در باغ معیر صرف ناهار می‌کرد، دیگر از باغهای مشهور اطراف تهران باغ امامیه واقع در اراضی دولاب بود که هنوز هم به همان اسم باقی می‌باشد اتفاقاً این باغ هم مسکن ضیاءالسلطنه یکی دیگر از دختران ناصرالدین شاه و متعلقه مرحوم سید زین العابدین امام جمعه بود.

مرحوم شیخ فضل الله مجتهد هم که از ملاههای تجمل ماب بود در خیابان امیریه (خیابان پهلوی فعلی) باغ با صفایی برای خود ترتیب داده و نامش را بستان الشریعه گذارده بود، موقعی که محمد علیشاه مجلس را توپ بست شیخ فضل الله در همین باغ بستان الشریعه مهمانی مجللی ترتیب داده و عده‌ای از تجار و رجال و محترمین را برای صرف ناهار دعوت کرد و پس از صرف ناهار به معمول آن زمان یک توپ چلوار آوردند و مهمانان ذیل آن را امضا کردند که ما از مشروطه بیزاریم و از پادشاه اسلام پناه می‌خواهیم که به جای مشروطه حکومت مشروعه به ما بدهد شیخ فضل الله آن توپ چلوار امضاء شده را توسط مشیرالسلطنه صدر اعظم برای شاه فرستاد شاه هم عکس

آن را برای سفارت خانه های خارجی ارسال داشته تذکر داد که سران ملت همه از مشروطه بیزارند، عجب این که هنوز عکس آن طومار به سفارت خانه ها نرسیده صاحبان امضاء به سفارت ترکیه و حضرت عبدالعظیم رفتند و تقاضای اعاده مشروطه را نمودند و البته شیخ فضل الله از نمک شناسی آنان بی اندازه عصبانی شده بود که پلوی چرب و نرم او را خوردند و امضایی هم پای آن توپ چلووار انداختند اما در مقابل زیر امضای خود زدند.

دیگر از باغ های مشهور تهران باغ بهارستان مرحوم میرزا حسین خان سپه سالار (عمارت فعلی مجلس) بود که قمرالسلطنه عمه ناصرالدین شاه و متعلقه سپه سالار در آن می زیست و سالی ده روز در این باغ روضه زنانه و مردانه می خواندند.

باغ ناصرالملک

میرزا ابوالقاسم ناصر الملک همدانی که چندی هم نایب السلطنه ایران بود در اول سر چشمه باغ بسیار وسیع و با صفایی داشت که ایام اقامت تهران در آن جا می زیست، دکتر تیلگان طبیب سفارت انگلیس ضمن یادداشت های خود می نویسد که موقعی با عجله مرا برای معالجه ناصرالملک احضار کردند همین که به باغ ناصرالملک رفتم وی را به حال بدی دیدم چون سینه پهلوی سختی شده بود و امیدی به زندگانی او نمی رفت و اما علت ابتلای وی به این بیماری آن بود که مطابق معمول اشراف ایران حمام های سرخانه را در ته باغ می سازند که دود حمام به قسمت مسکونی باغ نرسد، ناصر الملک بدون در نظر گرفتن وضع مزاجی و سن و مقتضیات هوا از قسمت مسکونی باغ به حمام واقع در ته باغ رفته و پس از بازگشت دچار تصرف هوا و مرض سینه پهلو گشته و عاقبت هم به همان مرض در گذشته است دکتر تیلگان سپس اظهار تعجب می کند که ناصرالملک تحصیلات عالی خود را در انگلستان به پایان رسانیده بود و مدتی هم در فرنگستان اقامت داشته معذک تحت تاثیر محیط قرار

گرفته و نتوانسته بود حمامی در مجاورت اتاق خواب خویش بسازد و از شر سینه پهلو رهایی یابد.

باغ اعتماد الدوله صدراعظم ناصرالدین شاه که در این اواخر تبدیل به لقانطه شده بود از باغ‌های معمور و مشهور تهران قدیم محسوب می‌شد و با پارک مسعودیه «عمارت وزارت فرهنگ» و باغ نگارستان از هر جهت رقابت می‌کرد اما سر آمد تمام پارک‌ها و باغ‌های دوره ناصرالدین شاه پارک اتابک بود که چند دست گردید و عاقبت تبدیل به سفارت روسیه تزاری و سپس سفارت اتحاد جماهیر شوروی گردید.

«اطلاعات ماهانه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی